

شبکه‌های اجتماعی و سرنوشت دموکراسی

منصور بنی عامریان^۱، محمد حسن فراهانی^۲

^۱ دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین الملل کیش

mansour.amerian1990@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل کیش

Farahan88

چکیده:

بی شک پدیده‌ای که ما در عصر حاضر، «رسانه اجتماعی» می‌نامیم، فرزندان عصری هستند، که اینترنت در آن از طریق ساده‌ترین راه‌ها، امکان ارتباط افراد با یکدیگر را فراهم می‌ساخت. به عبارت دیگر، این شبکه ارتباطی در ابتدا کارویژه ساده‌ای چون کمک به کاربران برای یافتن دوستان قدیمیشان را دنبال می‌کرد. با ورود جهان به قرن ۲۱ و آغاز روند ظهور بسترهای تازه چون فیسبوک و توئیتر، مفهوم قادر ساختن مردم به ارتباط با یکدیگر به صورت آنلاین، توسعه یافت و طیف وسیعی از روش‌ها برای تحقق این ایده، ابداع شد. در ابتدای راه، معطوف ساختن تمرکز تعاملات اجتماعی جدید بر کنش کاربران، هدف اولیه به شمار می‌رفت اما این روش رسانه‌های اجتماعی در حال حاضر، دیگر تازگی روزهای ابتدایی ندارند. این شبکه‌های در هم تنیده ارتباطی میان کاربران که رسانه اجتماعی نام گرفته‌اند، حتی دیگر راهی صرفاً سرگرم‌کننده برای استفاده از اینترنت نیز به شمار نمی‌روند. بر اساس برآوردهای صورت گرفته، امروزه، در سال ۲۰۲۰، بیش از ۳٫۸ میلیارد نفر در سراسر جهان، همچنین بیش از ۴۰ میلیون از کاربران ایرانی از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و این بسترهای برخط، به نحوی چشمگیر، شروع به تاثیرگذاری بر بر زندگی ما کرده‌اند. این تحول به حدی دور از ذهن بوده است که ۱۵ سال پیش، عده بسیار کمی از کارشناسان می‌توانستند چنین شرایطی را پیش‌بینی کنند. مردم در بستر شبکه‌هایی چون فیسبوک، اینستاگرام و توئیتر، فقط به ارتباط و تعامل بسنده نمی‌کنند. امروزه ما طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها، مانند پیگیری اخبار، بحث در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی، سازماندهی و مشارکت در فعالیت‌های مدنی و ... را از طریق رسانه‌های اجتماعی انجام می‌دهیم. از سوی دیگر، برخی شخصیت‌های معروف و «اینفلوئنسر» نیز در بطن شبکه‌های اجتماعی معنا می‌یابند. این افراد پتانسیل بسیار بالایی در اقناع و تاثیرگذاری بر دنبال‌کنندگان خود دارد، از همین جهت پژوهش پیش رو گریزی به شبکه‌های اجتماعی در دنیا و به بررسی شبکه‌های اجتماعی و ضرورت و اهمیت آن بر سرنوشت دموکراسی خواهد پرداخت، جامعه آماری ۱۴ مقاله فارسی مرتبط با شبکه‌های اجتماعی و دموکراسی در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ از «پایگاه مجلات تخصصی نور»، «جویشگر علمی فارسی علم نت»، «پرتال جامع علوم انسانی» و «پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی» قابل شناسایی بوده که روش نمونه‌گیری به شیوه تمام شماری نمونه‌های در دسترس است. شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای بوده و شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات بررسی انتقادی، تفسیری و استنباطی می‌باشد که در پایان به صورت فرا تحلیل، تحلیل می‌شوند.

واژگان کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، دموکراسی، رسانه‌های جمعی، فرا تحلیل.

مقدمه:

اینترنت از همان روزهای اولیه شکل گیری ابزاری برای برقراری ارتباطات بین فردی و بین گروهی بوده است اما طی یک دهه گذشته شاهد رشد شکل جدیدی از تعاملات مجازی در قالب سایت هایی بوده ایم که شبکه اجتماعی مجازی نام گرفته اند. این سایت ها با فراهم آوردن امکاناتی چون قابلیت ساخت پروفایل شخصی، توانایی ارسال پیام خصوصی و کامنت کردن افراد به لیست دوستان و ... توانسته اند شرایط ارتباط ارزان و سریع را برای میلیونها نفر در سرتاسر جهان به وجود آورند. با توجه به این امکانات نوین به نظر می رسد شبکه های اجتماعی مجازی در حال تغییر ماهیت روابط اجتماعی هستند (پوری، ۱۳۹۲) به همین جهت بسیاری از صاحب نظران علوم اجتماعی به استفاده از شبکه های اجتماعی و تاثیرات آن بر سرنوشت دموکراسی پرداخته اند.

اهمیت و ضرورت:

این پژوهش تلاشی جهت هماهنگ سازی مفهوم شناسی مقالات و پژوهش های پیرامون «شبکه های اجتماعی و سرنوشت دموکراسی»، ارزیابی شده و برای روشن تر شدن وضعیت تاثیرات شبکه های اجتماعی بر روی دموکراسی ضروری است بتوانیم نظریه های موجود حول محور آن، عوامل اثر گذار و موانع آن را شناسایی و دسته بندی کنیم؛ چرا که تنها در این صورت است که می توان به مدلی منسجم و نظام مند از فرایند آن دست یافت و این امر می تواند افزون بر تقویت میانی دانشی در ادبیات علمی و پژوهشی، به تقویت مبانی سیاست گذاری و اجرایی و تغییر نگرش در فهم شبکه های اجتماعی و دموکراسی نیز کمک کند. بر این اساس پژوهش حاضر دارای ضرورت کاربردی می باشد و از این حیث دارای اهمیت نظری است.

اهداف:

پژوهش پیش رو در نظر دارد مفاهیم محوری و مشترک در خصوص عوامل تأثیر گذار بر شبکه های اجتماعی و دموکراسی را احصا نماید و با بازبینی آنها ما را به آدارک درست تری از فرایند و عوامل اثر گذار بر آن برساند. در این راستا تحلیل دیدگاه های موجود، و شناخت ماهیت رویکردهای داخلی به آن دو هدف فرعی نویسندگان است.

روش تحقیق:

این پژوهش بر اساس هدف کاربردی و بر اساس گردآوری داده ها توصیفی - تحلیلی از نوع فرا تحلیل است. فرا تحلیل روشی است که بر اساس آن سعی می شود که تفاوت های موجود در تحقیقات انجام شده قبلی را استنتاج نمود و در رسیدن به یک سری نتایج کلی و کاربردی از آن بهره گرفت (خلعتبری، ۱۳۸۷). فرا تحلیل، در بر گیرنده ترکیب کمی گزارش ها و نتایج پژوهش های مشابه، استخراج و جدول بندی فراوانی مشخصات پژوهش ها و بررسی روابط آماری میان متغیرهای پژوهش هاست. بر این اساس، این مقاله به دنبال تبدیل یافته های مطالعات مختلف به یک مقیاس مشترک است. از این رو می توان خلأهای نظری و پژوهشی را مشخص کرد تا به جهت دادن پژوهش های بعدی و جدید کمک کند (ولف، ۱۹۸۹: ۱۲۳ و ۱۲۶). جامعه آماری ۱۴ مقاله فارسی مرتبط با شبکه های اجتماعی و دموکراسی در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ از «پایگاه مجلات تخصصی نور»، «جویشگر علمی فارسی علم نت»، «پرتال جامع علوم انسانی» و «پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی» قابل شناسایی بوده است. روش نمونه گیری، به شیوه تمام شماری نمونه های در دسترس است. شیوه گردآوری داده ها کتابخانه ای بوده و شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات بررسی انتقادی، تفسیری و استنباطی بوده است.

اهمیت و ضرورت :

با آنکه پژوهش های مختلفی در خصوص رابطه شبکه های اجتماعی و دموکراسی، فرصت ها و چالش های پیش روی آن به رشته تحریر در آمده، اما بخش قابل توجهی از این پژوهش ها ناظر بر ریشه یابی تک بعدی شبکه های اجتماعی و دموکراسی بوده است. به این ترتیب سالیان متمادی است که شناخت این امر شبکه های اجتماعی باعث یا مانع پیشرفت دموکراسی است یکی از موضوع های محوری و مهم مورد توجه پژوهشگران این حیطه بوده است. این پژوهش تلاشی جهت هماهنگ سازی مفهوم شناسی شبکه های اجتماعی و سرنوشت دموکراسی، ارزیابی شده و از این حیث دارای اهمیت نظری است. برای روشن تر شدن رابطه شبکه های اجتماعی و دموکراسی، ضروری است بتوانیم نظریه های موجود حول محور این موضوع و عوامل پیشرفت و نیز موانع آن را شناسایی و دسته بندی کنیم؛ چرا که تنها در

این صورت است که می توان به مدلی منسجم و نظام مند از فرایند آن دست یافت و این امر می تواند افزون بر تقویت میانی دانشی در ادبیات علمی و پژوهشی، به تقویت مبانی سیاست گذاری و اجرایی و تغییر نگرش در فهم شبکه های اجتماعی و سرنوشت دموکراسی در ایران نیز کمک کند. بر این اساس پژوهش حاضر دارای ضرورت کاربردی می باشد. اهداف: پژوهش پیش رو در نظر دارد مفاهیم محوری و مشترک در خصوص عوامل تأثیر گذار بر فرایند شبکه های اجتماعی و سرنوشت دموکراسی در جهان و همچنین در ایران را احصا نماید و با بازبینی آنها ما را به ادراک درست تری از فرایند و عوامل اثرگذار بر آن برساند. در این راستا تحلیل دیدگاه های موجود، و شناخت ماهیت رویکردهای داخلی به توسعه شبکه های اجتماعی و سرنوشت دموکراسی دو هدف فرعی نویسندگان است.

جدول شماره ۱. تمامی مقالات مربوطه به شبکه های اجتماعی و دموکراسی به عنوان جامعه آماری

شماره	نام نویسندگان	منبع و سال چاپ	عنوان مقاله
۱	شان لاوسون	نشریه مدیریت ارتباطات « بهمن ۱۳۹۸ شماره ۱۱۷	«شبکه های اجتماعی؛ دشمن دموکراسی»
۲	شراره مهدی زاده، منصوره شیفته	مطالعات فرهنگی و ارتباطات « دوره ۱۵، شماره ۵۵ (تابستان ۱۳۹۸)	«تأثیر شبکه های اجتماعی بر تحقق دموکراسی دیجیتال مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه مازندران»
۳	فرشاد شریعت	معرفت سیاسی « (پیاپی ۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۲ شماره ۱»	«آزادی معقول و دموکراسی اجتماعی»
۴	علی اصغر قاسمی	پژوهش سیاست نظری « پاییز و زمستان ۱۳۹۰ شماره ۱۰»	«جهانی شدن، جنبش های اجتماعی و دموکراسی در ایران»
۵	رضا اسکندری رضا اسکندری	نشریه وب « آبان ۱۳۹۶ شماره ۱۹۳»	دموکراسی و آزادی بیان در شبکه های اجتماعی
۶	احمد شکرچی	نشریه مدیریت ارتباطات « خرداد ۱۳۹۶ شماره ۸۵»	«دموکراسی در کوچه پس کوچه های شبکه های اجتماعی»
۷	مایکل ال. کنت	نشریه تحقیقات روابط عمومی « دوره ۲۲، شماره ۱۱۷-۱۱۹ (بهمن ۱۳۹۹ الی فروردین ۱۴۰۰)	استفاده گفتگومحور از شبکه های اجتماعی: نقش روابط عمومی در احیای دموکراسی
۸	بهنام جودی* ، محمد یگانه	نشریه پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی « دوره ۲۱، شماره ۹۴ (شهریور ۱۴۰۰)	«دموکراسی و جنبش های اجتماعی: نقد کتاب می توان دموکراسی را نجات داد؟ مشارکت، شورا و جنبش های اجتماعی»
۹		نشریه توسعه تاسیسات و تجهیزات « (پیاپی ۱۰۶)، زمستان ۱۳۹۶ و بهار ۱۳۹۷ شماره ۵۳»	«رسانه های اجتماعی و دموکراسی؛ به مناسبت تولد توئیتر»
۱۰	امیرسعید بابازاده جودی ، سعید اسلامی	مقاله کنفرانس: کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی - ۱۳۹۴	«واکاوی نقش رسانه های نوین بر دموکراسی»
۱۱	فائزه توکلی	رسانه و فرهنگ « بهار و تابستان ۱۳۹۰ شماره ۱»	«نقش رسانه ها در دموکراسی فرهنگی جهان معاصر»
۱۲	فرانسیس فوکویاما	نشریه پیوست « آذر ۱۳۹۶ شماره ۵۲»	«رسانه های اجتماعی و دموکراسی»
۱۳	محسن عباس زاده	«منبع: مطالعات میان رشته ای در رسانه و فرهنگ سال ششم بهار و تابستان ۱۳۹۵ شماره ۱ (پیاپی ۱۱)»	«(رسانه و کنش گری دموکراتیک (امکان ها و محدودیت های دموکراسی رسانه محور)»
۱۴	حایک، مریم	«مجله: رسانه « زمستان ۱۴۰۰ - شماره ۱۲۵»	«رابطه فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی و استفاده از شبکه های اجتماعی (مطالعه موردی: معلمان شهر اصفهان»

تحلیل و بررسی نگرش مقالات مربوط به شبکه های اجتماعی و دموکراسی:

در این بخش به بررسی نگرش مقالات نگاشته شده و متخصصان پژوهشگر در رابطه با به شبکه های اجتماعی و دموکراسی در طول سال های اخیر خواهیم پرداخت. این دیدگاه ها، به طور کلی به دو طیف رویکردهای مثبت و منفی تقسیم می شود. به عبارت دیگر، طیفی از کارشناسان معتقدند که شبکه های اجتماعی باعث دموکراسی و برخی دیگر، نظری مخالف و مغایر با این مفروض اساسی دارند.

شماره	تحلیل و بررسی نگرش مقالات مربوط به شبکه های اجتماعی و دموکراسی.	نام نویسندگان	منبع و سال چاپ	عنوان مقاله
۱	شان لاوسون در دیدگاه انتقادی که به شبکه های اجتماعی در خصوص دموکراسی دارد در مقاله ای تحت عنوان «شبکه های اجتماعی؛ دشمن دموکراسی» که در نشریه مدیریت ارتباطات شماره ۱۱۷ بهمن ۱۳۹۸ به چاپ رسیده چنین بیان می دارد که ماه گذشته اندیشکده «فریدم هاوس (Free House dom) گزارشی منتشر کرد که نشان میدهد شبکه های اجتماعی به تدریج تأثیرات منفی بیشتری بر دموکراسی و آزادی در جهان میگذارند. این گزارش با عنوان «آزادی در نت ۲۰۱۹» (Freedom on the Net) 2019 منتشر شده است و به شدت درباره «بحران شبکه های اجتماعی» هشدار میدهد. بر اساس این گزارش «شبکه های اجتماعی به شکلی خطرناک به سوی نالیبرالیسم (illiberalism) میل میکنند» و تعداد بیشتری از دولتهای جهان «ایادی بیپروای دولتی» را با اهداف سرکوبگرانه در شبکه های اجتماعی مشغول به کار میکنند. اقدامات دولتها فقط به تبلیغات یا پروپاگاندا در داخل و خارج از کشورهایشان منحصر نمیشود، بلکه به شکلی گستردهتر از همیشه دولتها از شبکه های اجتماعی برای «شنود و تفحص دسته جمعی» استفاده می کنند. فریدم هاوس تأکید میکند: «در نتیجه این روندها، آزادی اینترنت در سراسر جهان محدودتر شده است و برای نهمین سال متوالی شاهد کاهش آزادی در اینترنت هستیم.» گزارش فریدم هاوس بر اساس ارزیابی ها در شصت و پنج کشور مختلف جمع آوری شده است. بر اساس این گزارش، در سی و سه کشور از کشورهای مذکور، آزادی اینترنت در مقایسه با سال گذشته کمتر شده است و دستکم در چهل و هفت کشور از کشورهای بررسی شده، کاربران اینترنت برای اظهار عقاید «سیاسی، اجتماعی یا مذهبی» بازداشت شده اند. (لاوسون، ۱۳۹۸)	شان لاوسون	نشریه مدیریت ارتباطات « بهمن ۱۳۹۸ شماره ۱۱۷	«شبکه های اجتماعی؛ دشمن دموکراسی»
۲	در پژوهش مهمی که تحت عنوان: «تأثیر شبکه های اجتماعی بر تحقق دموکراسی دیجیتال مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه مازندران» توسط خانم ها شراره مهدی زاده، و منصوره شیفته رسيدند که تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی به ویژه شبکه های اجتماعی این توانایی را دارا هستند که با فراهم نمودن حوزه و فضای عمومی و شکل دهی به نوع جدیدی از حکومت گری تحت عنوان دولت الکترونیک یا حکومت گری الکترونیک زمینه هایی را برای تبادل اطلاعات و بحث و مشارکت گسترده تر شهروندان فراهم می نمایند. همچنین پژوهشگران به تأثیر نقش شبکه های اجتماعی در تحقق دموکراسی دیجیتال پرداختند که تا چه اندازه شبکه های مجازی و دولت الکترونیک می توانند زمینه و شرایط تحقق دموکراسی دیجیتال را از طریق تشکیل حوزه عمومی فراهم سازند. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه مازندران و ابزار به کار رفته پرسشنامه محقق ساخته بود که یافته های پژوهش نشانگر میزان استفاده بالا از شبکه های مجازی و خدمات دولت الکترونیک میداد. با این وجود استفاده از شبکه های اجتماعی و خدمات دولت الکترونیک به منظور فعالیت سیاسی در سطح متوسط و پایین قرار داشت به این معنی که تحقق دموکراسی دیجیتال به طور کامل صورت نگرفته اما، نتایج تبیینی با تأیید فرضیه های اصلی تحقیق ناظر بر وجود رابطه بین شبکه های اجتماعی، دولت الکترونیک و دموکراسی دیجیتال می باشد. (مهدی زاده، شیفته، ۱۳۹۸)	شراره مهدی زاده، منصوره شیفته	مطالعات فرهنگی و ارتباطات « دوره ۱۵، شماره ۵۵ (تابستان ۱۳۹۸)	«تأثیر شبکه های اجتماعی بر تحقق دموکراسی دیجیتال مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه مازندران»
۳	فرشاد شریعت در مقاله ای تحت عنوان «آزادی معقول و دموکراسی اجتماعی» ضمن کالبدشکافی مفهوم «دموکراسی» در ادبیات کلاسیک غرب، در سه برش تاریخی در فلسفه سیاسی یونان باستان، فلسفه سیاسی مسیحی و دوره جدید، نشان می دهد که چرا و چگونه دموکراسی در فلسفه سیاسی غرب مفهومی معطوف به غایتی آرمانی است. به عبارت دیگر، این مقاله، با شالوده شکنی مفهوم دموکراسی به مثابه ابزار یا روشی برای جمهور و با نگاه به دموکراسی از منظر دموکراسی اجتماعی، به عنوان مفهومی ایده آل، بر آن است تا نشان	فرشاد شریعت	معرفت سیاسی « (پیاپی ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲ شماره ۱)	«آزادی معقول و دموکراسی اجتماعی»

شماره	تحلیل و بررسی نگرش مقالات مربوط به شبکه های اجتماعی و دموکراسی.	نام نویسندگان	منبع و سال چاپ	عنوان مقاله
	<p>دهد دموکراسی پیش از آنکه وابسته به شکل جمهور باشد، معطوف به محتوایی است که آرمان آن جز با آزادی معقول به دست نمی آید. خویش کاری افلاطون و نوع دوستی ارسطو و شریعت مداری اهل کلیسا، هیچ یک به لحاظ محتوایی، با آنچه که در دوره جدید و پس از ظهور هابز و لاک، به عنوان «لیبرالیسم» خوانده شده، تفاوت ماهوی ندارند. آنچه که تحت عنوان لیبرالیسم و یا دموکراسی لیبرال قرائت می شود، مسئله ای محتوایی و نه شکلی است که می تواند در آرای فیلسوفان قدیم مورد بازخوانی مجدد و در آرای فیلسوفان جدید بازتفسیر شود. (شریعت، ۱۳۹۲)</p>			
۴	<p>علی اصغر قاسمی با توجه به مهم بودن مقوله دموکراسی و جنبش های اجتماعی در ایران به پژوهشهایی عنوان «جهانی شدن، جنبش های اجتماعی و دموکراسی در ایران» می پردازد و به این نتیجه دست می یابد که طی چند دهه اخیر، جهان دستخوش تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده ای شده است. بسیاری از صاحب نظران بر این عقیده اند که متناسب با تغییراتی که در حوزه های مختلف زیست بشری به وجود آمده، اتخاذ چشم انداز گسترده تری برای مطالعه فرهنگ و سیاست ضرورت یافته است؛ بر همین اساس در جامعه شناسی سیاسی جدید، جهانی شدن به یکی از مفاهیم و متغیرهای مهم در تبیین تحولات سیاسی و اجتماعی مبدل شده است. از طرف دیگر جنبش های اجتماعی از جمله پدیده هایی هستند که در دوران جدید رشد و گسترش زیادی پیدا کرده اند، به نحوی که امروزه از این جنبش ها به عنوان موتور محرک تحولات عصر جدید یاد می شود. طی دو دهه اخیر، همزمان با گسترش ابعاد و شاخص های جهانی شدن در همه نقاط دنیا و از جمله در ایران، جنبش های اجتماعی در ایران نیز رشد و گسترش زیادی پیدا کرده اند. نتایج پژوهش های انجام شده نشان می دهد فرایند جهانی شدن، بر جنبش های اجتماعی ایران موثر بوده و یکی از مهم ترین این تاثیرها، تقویت پیوند این جنبش ها با یکدیگر بوده است. این مقاله درصدد پاسخگویی به این سوال است که جنبش های اجتماعی ایران در عصر جهانی شدن حول چه محوری، با یکدیگر پیوند خورده اند؟ بررسی های انجام شده نشان می دهد دموکراسی خواهی مرکز ثقل مطالبات جنبش های اجتماعی ایران و حلقه پیوند متقابل آن بوده است. (قاسمی، ۱۳۹۰)</p>	علی اصغر قاسمی ۱۳۹۰	«پژوهش سیاست نظری پاییز و زمستان ۱۳۹۰ شماره ۱۰»	«جهانی شدن، جنبش های اجتماعی و دموکراسی در ایران»
۵	<p>رضا اسکندری در مقاله ای تحت عنوان «دموکراسی و آزادی بیان در شبکه های اجتماعی» به اهمیت این موضوع می پردازد که شبکه های اجتماعی در سراسر دنیا و همچنین ایران با سرعت زیادی به محبوبیت گسترده ای دست یافتند و به سرعت همه گیر شدند. این روزها شاید کمتر کسی را ببینید که گوشی هوشمند یا تبلتی نداشته باشد و حداقل تلگرام یا واتساپ و اینستاگرام روی آن نصب نباشد و در بسیاری از مواقع علت خرید این ابزار هوشمند، پیوستن به شبکه های اجتماعی و ارتباطی است. این شبکه ها بستری را برای افراد فراهم میکند تا بتوانند با یکدیگر به تبادل نظر بپردازند و از دیدگاه ها و افکار دیگران باخبر باشند. برخی ممکن است از شبکه های اجتماعی و ارتباطی صرفا برای سرگرمی استفاده کنند و برخی نیز برای کارهای تجاری و حتی سیاسی و با نیت پیشبرد اهداف خود از این شبکه ها استفاده میکنند گرچه تشکیل گروه های مجازی میتواند اهداف مثبتی را دنبال کند اما گروه هایی نیز ممکن است با هدف دنبال کردن اهدافی ناسالم یا آسیب زا تشکیل شود. این دسته افراد که به حالت باند فعالیت دارند، فرصت ابراز وجود و بیان عقاید به صورت آزادانه را از دیگران سلب میکنند. وی به عنوان راه حل چنین بیان می دارد که: بهتر است از وجود این افراد آگاه باشیم تا فرصت کنترل کردن ما با تشکیل باندها و گروههای فشار را از آنها بگیریم و نتوانند با حرفهایشان و انجام جوسازی، روی سایر کاربران تاثیر بگذارند. و در جمع بندی می گوید آزادی بی حد و حصر هم میتواند مانند نداشتن آزادی، آسیب رسان بوده و تبعات منفی داشته باشد. آزادی بیان نیز مانند هر مفهوم دیگری اگر به شیوه های مثبت به کار گرفته شود می تواند فواید متعددی به بار بیاورد که در اینجا به چند مورد از آن اشاره شد. با این حال هیچ پدیده های خوبی مطلق نیست و رعایت تعادل میتواند در این زمینه کارگشا باشد. در بخش قبلی در کنار ارائه جنبه های منفی، راه مواجهه با این تبعات نیز ارائه شد تا بتوانیم فواید را به حداکثر و آسیبها را به حداقل برسانیم. به یاد داشته باشیم که آگاهی و شناخت پدیده های عصر حاضر میتواند در انتخاب مسیرهایی که هر روزه با آنها روبه رو هستیم به ما کمک کند (اسکندری، ۱۳۹۰)</p>	رضا اسکندری	نشریه وب «آبان ۱۳۹۶ شماره ۱۹۳»	«دموکراسی و آزادی بیان در شبکه های اجتماعی»

شماره	تحلیل و بررسی نگرش مقالات مربوط به شبکه های اجتماعی و دموکراسی.	نام نویسندگان	منبع و سال چاپ	عنوان مقاله
۶	احمد شکرچی در «دموکراسی در کوچه پس کوچه های شبکه های اجتماعی» گفتوگوی ضروری برای مردم سالاری را بیش از آنکه میان عامه مردم اهمیت داشته باشد، باید میان نخبگان اتفاق بیفتد. وی بر این باور است که با رواج شبکه های اجتماعی، به ویژه توییتر، مشاهده میشود که بسیاری از شخصیتها و رهبران سیاسی پیامهایی را منتشر میکنند که معطوف به پیام شخصیت دیگری است و جواب یکدیگر را در این پیامرسان میدهند. چنین ارتباطی نه فقط به گفتوگوی میان نخبگان کمک نمیکند، بلکه علنی کردن پیامها، که معمولا کنایه آمیز و استعاری هم هستند، میتواند بر ابهام و پیچیدگی مواضع سیاسی بیفزاید. حضور نخبگان در این شبکه ها باید بسیار حساب شده و به منظور هدایت رفتار سیاسی عامه مردم اتفاق بیفتد. گفت وگویی واقعی میان نخبگان اگر در فضاهای رو در رو و عینی صورت گیرد و نتایج حاصل از آن پس از بررسی مشاوران و کارشناسان زبده در شبکه های اجتماعی منتشر شود، بسیار سازنده تر و مؤثرتر خواهد بود. شبکه های اجتماعی جنس فعالیتهای سیاسی و مکانیسم های دموکراتیک را متحول میکند و در آینده تغییرات بیشتری نیز انتظار میرود. (شکرچی، ۱۳۹۶)	احمد شکرچی	نشریه مدیریت ارتباطات، خرداد ۱۳۹۶ شماره ۸۵	«دموکراسی در کوچه پس کوچه های شبکه های اجتماعی»
۷	مایکل ال. کنت در گفتار «استفاده گفتگومحور از شبکه های اجتماعی: نقش روابط عمومی در احیای دموکراسی» به اهمیت این موضوع پرداخته است که بسیاری از فناوری های شبکه های اجتماعی که قرار بود مردم را دور هم جمع کند، دموکراسی ما را تحریک کند و همه شهروندان را قادر سازد زندگی منطقی داشته باشند، عمدتاً نتیجه عکس داشتند. به عنوان برقرار کنندگان ارتباط عمومی، ما شاید مهمترین منبع در دموکراسی را کنترل میکنیم: اطلاعات. امروزه عدم درک ما از فناوری جدید استفاده از آن ها صرفاً برای تامین منافع بازاریابی و تبلیغات است، به مشارکت اجتماعی پایینتر و آگاهی کمتر از اتفاقات دنیای پیرامون ما منجر شده است. قطعاً برای بیش از سه دهه دانشمندان استدلال کرده اند که فناوری های جدید علاوه بر جنبه های مثبت، دارای جنبه های منفی نیز هستند، اما عموماً ما جنبه های منفی را نادیده گرفتیم (رجوع شود به برنهام، ۱۹۸۴؛ پستمن، ۱۹۹۳؛ استول، ۱۹۹۵، ۱۹۹۹، تیلور و کنت، ۲۰۱۰، والی، ۱۹۸۲) بسیاری از فناوری های جدید ما پتانسیل گسترهای دارند. مطالعه پشت مطالعه ثابت کرده اند که شبکه های اجتماعی مبتنی بر گفتگو هستند اما عملیاتی شدن این گفتگو محوری به تبلیغات آنلاین و تبلیغ محصولات شباهت دارد. برای دهه ها، ما استدلال کردیم که فناوری های ارتباطی ما باعث پیوند ما میشوند اما این پیوند داشتن با «دوستانمان» در شبکه های اجتماعی به بهای منزوی شدن از همتوابعمان که در همسایگی یا انتها پراهر و زندگی میکنند، به دست آمده است. واضح است شبکه های اجتماعی ابزاری هستند که میتوان با روش بهتری از آنها استفاده کرد. پرداختن به اثرات تکنولوژی بر زندگی سیاسی و اجتماعی آسان نیست. هیچ راه حل سریعی وجود ندارد که روابط عمومی بتواند از آن استفاده کند. با این وجود، اگر به عنوان مشاوران سازمانی آگاه به گذشته ی حرفهای خود مراجعه کنیم، کمکم متوجه میشویم که نقادانه بودن و آگاه بودن نخستین گامهاست. راه حل از طریق تعامات کمتر پیچیده های که با شبکه های اجتماعی داشتیم، پیدا نمیشود؛ بلکه از طریق تعامات غنیتر و فراگیرتر میتوانیم راه حل بیابیم. (کنت ۱۴۰۰)	مایکل ال. کنت	نشریه تحقیقات روابط عمومی «دوره ۲۲، شماره ۱۱۷-۱۱۹ (بهمن ۱۳۹۹) الی فروردین ۱۴۰۰»	«استفاده گفتگومحور از شبکه های اجتماعی: نقش روابط عمومی در احیای دموکراسی»
۸	در مقاله «دموکراسی و جنبش های اجتماعی: نقد کتاب می توان دموکراسی را نجات داد؟ مشارکت، شورا و جنبش های اجتماعی» که آقایان بهنام جودی و محمد یگانه به رشته تحریر در آوردند به معرفی و ارزیابی کتاب «می توان دموکراسی را نجات داد؟ مشارکت، شورا و جنبش های اجتماعی نوشته دونالد دلاپرتا» پرداخته اند که نشان می دهند پرسش اصلی دلاپرتا در این کتاب این است که «آیا می توان دموکراسی را نجات داد؟» و پاسخ او «فرا تر رفتن از مدل لیبرال و بسط دادن بازتاب آن بر مشارکت و تامل در نهادهای داخلی و خارجی» از طریق جنبش های اجتماعی است. کتاب دلاپرتا در واقع دو کتاب در یک کتاب است که بخش نخست آن به بحث هنجاری درباب تحول مفهوم دموکراسی از لیبرال تا شورایی در دو سده گذشته می پردازد. بخش دوم آن، پراکتیکس دموکراسی توسط جنبش های اجتماعی در جهان معاصر با توجه به تحول	بهنام جودی* ، محمد یگانه	نشریه پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی «دوره ۲۱، شماره ۹۴ (شهریور ۱۴۰۰)»	«دموکراسی و جنبش های اجتماعی: نقد کتاب می توان دموکراسی را نجات داد؟ مشارکت، شورا و جنبش های اجتماعی»

شماره	تحلیل و بررسی نگرش مقالات مربوط به شبکه های اجتماعی و دموکراسی.	نام نویسندگان	منبع و سال چاپ	عنوان مقاله
	فناوری های ارتباطی مانند اینترنت و شبکه های اجتماعی می باشد که تلاش دارد از دموکراسی نمایندگی به دموکراسی مستقیم گذار کند. این کتاب بحثی در حوزه مباحث چاپ جدید و دموکراسی رادیکال است که به دنبال گذار از دموکراسی نمایندگی به دموکراسی شورایی از طریق جنبش های اجتماعی است. جنبش هایی که از نظر دلپرتا برخلاف گذشته دیگر کارگری نیستند، شامل طیف های گوناگون می شوند و با استفاده از رسانه های ارتباطی جدید توانی بالا برای بسیج دارند. (جودی، یگانه، ۱۴۰۰)			
۹	مقاله مهمی که در مجله مجله اکونومیست، تحت عنوان « رسانه های اجتماعی و دموکراسی؛ به مناسبت تولد توئیتر» با ترجمه سید حسین علوی لنگرودی در نشریه توسعه تاسیسات و تجهیزات که به چاپ رسیده به اهمیت این موضوع می پردازد که گر چه شبکه های اجتماعی میتوانند به شکلگیری حرکت های سیاسی و اجتماعی دموکراتیک و مسالمت آمیز کمک کنند، اما از سویی دیگر، ممکن است مورد سوءاستفاده کسانی قرار بگیرند که قصد دارند از این جنبشها در جهت اهداف شخصی یا گروهی خود بهره برداری کنند. به طور کلی، این امید بین آزاداندیشان و فرهیختگان جوامع وجود دارد که همان طوری که اینترنت توانست از حالت یک سیستم بسته و تحت کنترل دولتها به درآید و به یک اتوبیای سایبری تبدیل شود، شبکه های اجتماعی نیز از تبدیلشدن به ابزاری برای تمرکز اطلاعات و در نتیجه، تمرکز قدرت در دست تعداد محدودی شرکت یا دولت جلوگیری نمایند و موجباتی را فراهم آورند که دستاوردهای دموکراتیک تکنولوژی های ارتباطی جدید همچنان تداوم یابند. (اکونومیست، ۱۳۹۷)	مجله اکونومیست، مترجم: سید حسین علوی لنگرودی.	نشریه توسعه تاسیسات و تجهیزات « (پیاپی ۱۰۶)، زمستان ۱۳۹۶ و بهار ۱۳۹۷ شماره ۵۳	«رسانه های اجتماعی و دموکراسی؛ به مناسبت تولد توئیتر»
۱۰	امیرسعید بابازاده جودی، سعید اسلامی مقاله ای را تحت عنوان « واکاوی نقش رسانه های نوین بر دموکراسی» در کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی در سال ۱۳۹۴ به ثبت می رسانند که در این مقاله رسانه ها همیشه ابزاری بوده اند که انتقال دهنده پیام بوده و نقش میانجی را میان فرستنده و گیرنده پیام بازی کرده اند، البته رسانه ها تنها ابزار برقراری ارتباط نیستند بلکه خود ماهیتی دارند که سبب تاثیر بر مفاهیم و متاثر شدن از مفاهیم است. سرشتی دوگانه که از ماهیت رسانه است. کاربردی دو وجهی هم در جهت مثبت و هم در جهت منفی. رسانه ها در طول تاریخ هم بر محیط اطرافشان تاثیراتی ژرف نهاده اند و هم در جریان این کار از اطراف خود تاثیر پذیرفته است. حال سوالی که در اینجا پیش می آید این است که رسانه های نوین چه تاثیری بر دموکراسی داشته اند استدلال این دو پژوهشگر براساس روش تحلیل کیفی این است که رسانه های نوین هم به تضعیف دموکراسی و هم به تقویت بنیان های دموکراتیک مدد می رسانند. بابازاده جودی و اسلامی در این مقاله به دنبال آن هستند که با تمرکز بر موضوع تاثیری که رسانه در عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی انسانها داشته است و مخصوصا با تاکید بر تاثیری دوگانه (که جزء ماهیت رسانه است) که بر دموکراسی به عنوان یک شیوه حکومتی گذاشته است باشد. (بابازاده جودی، اسلامی، ۱۳۹۴)	امیرسعید بابازاده جودی، سعید اسلامی	مقاله کنفرانس: کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی - ۱۳۹۴	«واکاوی نقش رسانه های نوین بر دموکراسی»
۱۱	فائزه توکلی نشان می دهد که «با گسترش رسانه های جمعی در سطح داخلی و خارجی و تاثیر آنها بر نهادهای فرهنگی جامعه، عناصر مشترک فرهنگ های مختلف در اثر تماس، آمیزش و ارتباط فرهنگ ها با یکدیگر در حال امتزاج اند، تحول مهم حوزه فرهنگ، درک متقابل فرهنگ ها از یکدیگر، بدون گرایش به حذف است. در این راستا، طرح دموکراسی فرهنگی با تاکید بر این اصل استوار است که وابستگی هر فرد به یک فرهنگ، یکی از اساسی ترین نیازهای انسانی است و هر فرد، گروه و جماعت از حق انتساب خود به فرهنگ یا فرهنگ های خاصی برخوردار است»، توکلی در مقاله خود تحت عنوان «نقش رسانه ها در دموکراسی فرهنگی جهان معاصر» با طرح این پرسش که مولفه های دموکراسی فرهنگی چیست به تبیین رابطه متقابل بین رسانه و فرهنگ می پردازد. همچنین وی نشان می دهد که احترام به حفظ ارزش های دیگران و حرکت به سوی جامعه جهانی توام با وفاق و همدلی، منوط به رفع موانع ارتباطات میان فرهنگی است و نه آنکه فرهنگ ها حذف شوند. رسانه ها ابزار و نهادهای موثر در فرهنگ هر جامعه به حساب می آیند و حوزه عمل و فعالیت آنها فرهنگ است. نتیجه این ارتباط و پیوند برقراری رابطه ای متقابل بین رسانه و فرهنگ است. انقلاب اطلاعات و به تبع آن، جهانی شدن رسانه ها از قبیل: اینترنت، پست الکترونیک، شبکه های اجتماعی، وبلاگ، تلفن همراه، نامبر و جز اینها نقطه عطفی در گسترش همکاری های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان جوامع مختلف شده است که از آن جمله می توان به افزایش سرعت ارتباطات، دسترسی	فائزه توکلی	رسانه و فرهنگ « بهار و تابستان ۱۳۹۰ شماره ۱۰	«نقش رسانه ها در دموکراسی فرهنگی جهان معاصر»

شماره	تحلیل و بررسی نگرش مقالات مربوط به شبکه های اجتماعی و دموکراسی.	نام نویسندگان	منبع و سال چاپ	عنوان مقاله
	جهانی به اطلاعات، ایجاد منبع جدید قدرت و نیز گسترش فرهنگ جهانی مشترک اشاره کرد (توکلی، ۱۳۹۰)			
۱۲	فرانسیس فوکویاما نویسنده کتاب «پایان تاریخ و آخرین انسان» مقاله ای با عنوان «رسانه های اجتماعی و دموکراسی» در وب سایت امریکن اینترنست، مجله معتبر آمریکایی در زمینه علوم سیاسی، منتشر کرده که نشریه پیوست در آذر ۱۳۹۶ آن را ترجمه کرده است، ایده اصلی فوکویاما در این مقاله این است که قواعد سنتی مربوط به آزادی بیان نمیتواند در وضعیت فعلی ما را به سمت دموکراسی ببرد. نمونه ای هم که او بررسی کرده انتخابات اخیر ریاست جمهوری آمریکا است. وی بر این باور است که اینترنت و رشد رسانه های اجتماعی قواعد گفتوگو پیرامون آزادی بیان در سراسر جهان را تغییر داده است. در اینجا همیشه اطلاعات نادرست، پروپاگاندا یا تبلیغات سیاسی جهت دار و ارائه نکردن اطلاعات به صورت عمادانه روی مسائل سیاسی اثر میگذارد. دفاع سنتی از آزادی بیان تئوری بازار ایده است که میگوید: اگر در اینجا اطلاعات بدی وجود داشته باشد، راه حل این نیست که آنها را سانسور کنیم یا حتی مورد مقررات گذاری قرار دهیم، بلکه این است که اطلاعات خوب را بیرون بکشیم که ممکن است بد به حساب بیاید. اطلاعات بیشتر همیشه بهتر است. اما مشخص نیست که این استراتژی به خوبی در عصر اینترنتی کار کند. عصری که در آن هزاران روایت و خرابکار میتوانند پیامهای بد را با صدای بلند بدون اینکه کسی آنها را شناسد بیان کنند. مدلهای تجاری پلتفرمها مشکل را با الگوریتمهایی تشدید میکنند که باعث میشود برای توزیع وپروسی و سرعت بخشیدن به توزیع محتوا استفاده شود و در نتیجه توهم های توطئه و پستهای دردسرساز به گیرنده های این پیامها فرستاده میشود. (فوکویاما، ۱۳۹۶)	فرانسیس فوکویاما ۱۳۹۶	نشریه پیوست « آذر ۱۳۹۶ شماره ۵۲	«رسانه های اجتماعی و دموکراسی»
۱۳	«اگر که هدف از سیاست دموکراتیک مشارکت آگاهانه ی افراد در تعیین سرنوشت عمومی باشد، طبعاً رسانه به مثابه واسطه ی ارتباط حکومت و شهروندان اهمیت محوری می یابد» این پژوهشی است که محسن عباس زاده با عنوان «رسانه و کنش گری دموکراتیک (امکان ها و محدودیت های دموکراسی رسانه محور)» به آن پرداخته و نشان می دهد که همزمان، با توجه به تکثیر رسانه ای فزاینده ی اطلاعات در عصر مجازی شدن فرهنگ این مشکله ی اساسی برجسته می گردد که آیا رسانه ای شدن فزاینده ی «جهان - زیست» معاصر به یک کنش سیاسی مترقی در جهت تعمیق خودآیینی شهروندان می انجامد یا - باتوجه به فوران پیام ها در عصر رسانه های مجازی- به سرگشتگی و بی تفاوتی سیاسی شهروندان و حتی سیاست تکنولوژیک/ الکترونیک معطوف به کنترل شهروندان؟ وی در این مقاله درصدد است تا با بهره گیری از مزایای رویکرد «ساختار/ کارگزار» به بررسی این مسئله بپردازد. در این راستا پس از بررسی دو رویکرد متقابل (یعنی دموکراسی مستقیم الکترونیکی در برابر پایان امر سیاسی در فرهنگ مجازی)، برداشتی از دموکراسی رسانه محور را به مثابه بدیل دموکراسی رایج مطرح می سازد. (عباس زاده، ۱۳۹۵)	محسن عباس زاده	منبع: مطالعات میان رشته ای در رسانه و فرهنگ سال ششم بهار و تابستان ۱۳۹۵ شماره ۱ (پیاپی ۱۱)	«رسانه و کنش گری دموکراتیک (امکان ها و محدودیت های دموکراسی رسانه محور)»
۱۴	خانم مریم حایک در تازه ترین مقاله خود در زمینه اثر گذاری شبکه های اجتماعی مجازی بر دموکراسی که با عنوان: «رابطه فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی و استفاده از شبکه های اجتماعی و فعالیت عمیق تر در شبکه های اجتماعی، باعث بالا رفتن احتمال میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک می گردد، اما افزایش مصرف روزانه چنین شبکه هایی، تاثیر منفی بر روی فرهنگ سیاسی دموکراتیک داشته است. و واقعی تلقی کردن محتوای شبکه های اجتماعی تأثیری در افزایش یا کاهش تمایل به فرهنگ دموکراتیک در میان پاسخگویان نداشته است». (حایک، ۱۴۰۰)	(حایک، مریم)	مجله : رسانه « زمستان ۱۴۰۰ - شماره ۱۲۵	«رابطه فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی و استفاده از شبکه های اجتماعی (مطالعه موردی: معلمان شهر اصفهان»

نتیجه گیری:

در پایان هر فعالیت تحقیقی محققان می بایست نتایج کار خود را ارائه داده و بر اساس سوالات تحقیق نیز پیشنهادات خود را ارائه دهند. بنابراین یکی از قسمتهای مهم و حیاتی تحقیق که در واقع می تواند راهی برای تبدیل نظریات به عمل برای موفقیت در آینده باشد نتیجه گیری های صحیح و پیشنهادهای مربوط و مناسب است. نتیجه گیری هایی که بر اساس تحلیل های صریح ارائه شده باشد می تواند مشکلات موجود بر سر راهی که تحقیق به منظور غلبه و رفع آن طراحی شده است را برطرف کند. تمامی تلاش هایی که در روند انجام یک کار پژوهشی صورت می گیرد، در واقع برای دستیابی به نتایج مطلوب و پیشنهادهایی برای تحقیق است. چراکه هدف از انجام تحقیق، یافتن راه حل برای مشکلاتی است که وجود دارد و دغدغه پژوهشگر بوده و باعث انجام تحقیق شده است. گاهی این مشکلات هر چند در ظاهر کوچک و ناچیز بوده ولی هزینه و انرژی زیادی در جامعه هدر داده و کارایی و اثربخشی را کاهش می دهند و مانع رسیدن به نتایج مورد نظر و ارزشمند می گردند. از طریق تحقیق می توان این مشکلات و راه حل های رفع آنها را پیشبینی و مهار کرد و اقدامات مناسب را انجام داد تا در نهایت کارایی و نتایج مثبت افزایش یابد. در این فصل ابتدا خلاصه ای از یافته های پژوهش ارائه می شود و سپس با توجه به پیشینه تحقیق و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده، پیشنهاداتی در این زمینه ارائه میگردد و در انتها نیز محدودیت هایی که در این تحقیق وجود داشته است نیز ارائه می گردد.

خلاصه یافته های پژوهش:

شان لاوسون در دیدگاه انتقادی که به شبکه های اجتماعی در خصوص دموکراسی دارد در مقاله ای تحت عنوان «شبکه های اجتماعی؛ دشمن دموکراسی» که در نشریه مدیریت ارتباطات شماره ۱۱۷ بهمن ۱۳۹۸ به چاپ رسیده چنین بیان می دارد که شبکه های اجتماعی به تدریج تأثیرات منفی بیشتری بر دموکراسی و آزادی در جهان میگذارند. (لاوسون، ۱۳۹۸) رابطه بین شبکه های اجتماعی، دولت الکترونیک و دموکراسی دیجیتال می باشد. (مهدی زاده، شیفته، ۱۳۹۸)، فرایند جهانی شدن، بر جنبش های اجتماعی ایران موثر بوده و یکی از مهم ترین این تأثیرها، تقویت پیوند این جنبش ها با یکدیگر بوده است. این مقاله درصدد پاسخگویی به این سوال است که جنبش های اجتماعی ایران در عصر جهانی شدن حول چه محوری، با یکدیگر پیوند خورده اند؟ بررسی های انجام شده نشان می دهد دموکراسی خواهی مرکز ثقل مطالبات جنبش های اجتماعی ایران و حلقه پیوند متقابل آن بوده است. (قاسمی، ۱۳۹۰) آزادی بی حد و حصر در شبکه های اجتماعی هم میتواند مانند نداشتن آزادی، آسیب رسان باشد (اسکندری، ۱۳۹۰) اگر در فضاهای رو در رو و عینی صورت گیرد و نتایج حاصل از آن پس از بررسی مشاوران و کارشناسان زنده در شبکه های اجتماعی منتشر شود، بسیار سازنده تر و مؤثرتر خواهد بود. شبکه های اجتماعی جنس فعالیتهای سیاسی و مکانیسم های دموکراتیک را متحول میکند و در آینده تغییرات بیشتری نیز انتظار می رود. (شکرچی، ۱۳۹۶) مایکل ال. کنت در گفتمان «استفاده گفتگومحور از شبکه های اجتماعی: نقش روابط عمومی در احیای دموکراسی» به اهمیت این موضوع پرداخته است که بسیاری از فناوری های شبکه های اجتماعی که قرار بود مردم را دور هم جمع کند، دموکراسی ما را تحریک کند و همه شهروندان را قادر سازد زندگی منطقی داشته باشند، عمدتاً نتیجه عکس داشتند. نقادانه بودن و آگاه بودن نخستین گامهاست. راه حل از طریق تعاملات کمتر پیچیده های که با شبکه های اجتماعی داشتیم، پیدا نمیشود؛ بلکه از طریق تعاملات غنیتر و فراگیرتر میتوانیم راهحل بیابیم. (کنت ۱۴۰۰) جنبش هایی که از نظر دلپرتا برخلاف گذشته دیگر کارگری نیستند، شامل طیف های گوناگون می شوند و با استفاده از رسانه های ارتباطی جدید توانی بالا برای بسیج دارند. (جودی، یگانه، ۱۴۰۰) همان طوری که اینترنت توانست از حالت یک سیستم بسته و تحت کنترل دولتها به درآمد و به یک اتوپیای سایبری تبدیل شود، شبکه های اجتماعی نیز از تبدیل شدن به ابزاری برای تمرکز اطلاعات و در نتیجه، تمرکز قدرت در دست تعداد محدودی شرکت یا دولت جلوگیری نمایند و موجباتی را فراهم آورند که دستاوردهای دموکراتیک تکنولوژی های ارتباطی جدید همچنان تداوم یابند. (اکونومیست، ۱۳۹۷) رسانه های نوین هم به تضعیف دموکراسی و هم به تقویت بنیان های دموکراتیک مدد می رسانند (بابازاده جودی، اسلامی، ۱۳۹۴) رسانه ها ابزار و نهادهای موثر در فرهنگ هر جامعه به حساب می آیند و حوزه عمل و فعالیت آنها فرهنگ است. نتیجه این ارتباط و پیوند برقراری رابطه ای متقابل بین رسانه و فرهنگ است.

انقلاب اطلاعات و به تبع آن، جهانی شدن رسانه ها از قبیل: اینترنت، پست الکترونیک، شبکه های اجتماعی، وبلاگ، تلفن همراه، نامبر و جز اینها نقطه عطفی در گسترش همکاری های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان جوامع مختلف شده است که از آن جمله می توان به افزایش سرعت ارتباطات، دسترسی جهانی به اطلاعات، ایجاد منبع جدید قدرت و نیز گسترش فرهنگ جهانی مشترک اشاره کرد. (توکلی، ۱۳۹۰) رسانه های اجتماعی قواعد گفتگو پیرامون آزادی بیان در سراسر جهان را تغییر داده است. در اینجا همیشه اطلاعات نادرست، پروپاگاندا یا تبلیغات سیاسی جهت دار و ارائه نکردن اطلاعات به صورت عامدانه روی مسائل سیاسی اثر میگذارند. دفاع سنتی از آزادی بیان تئوری بازار ایده است که میگوید: اگر در اینجا اطلاعات بدی وجود داشته باشد، راه حل این نیست که آنها را سانسور کنیم یا حتی مورد مقررات گذاری قرار دهیم، بلکه این است که اطلاعات خوب را بیرون بکشیم که ممکن است به حساب بیاید. اطلاعات بیشتر همیشه بهتر است. اما مشخص نیست که این استراتژی به خوبی در عصر اینترنتی کار کند. عصری که در آن هزاران روبات و خرابکار میتوانند پیامهای بد را با صدای بلند بدون اینکه کسی آنها را بشناسد بیان کنند. مدل های تجاری پلتفرمها مشکل را با الگوریتمهایی تشدید میکنند که باعث میشود برای توزیع ویروسی و سرعت بخشیدن به توزیع محتوا استفاده شود و در نتیجه توهم های توطئه و پستهای دردسرساز به گیرنده های این پیامها فرستاده میشود. (فوکویاما، ۱۳۹۶) باتوجه به فوران پیام ها در عصر رسانه های مجازی- به سرگستگی و بی تفاوتی سیاسی شهروندان و حتی سیاست تکنولوژیک/ الکترونیک معطوف به کنترل شهروندان؟ در این راستا پس از بررسی دو رویکرد متقابل (یعنی دموکراسی مستقیم الکترونیکی در برابر پایان امر سیاسی در فرهنگ مجازی)، برداشتی از دموکراسی رسانه محور را به مثابه بدیل دموکراسی رایج مطرح می سازد. (عباس زاده، ۱۳۹۵) یکی از ابزارهای مهمی که در عصر جدید می تواند بر فرهنگ سیاسی دموکراتیک تاثیر گذارد، شبکه های اجتماعی مجازی می باشند. بنابراین هدف این پژوهش، بررسی تاثیر شبکه های اجتماعی بر گرایش افراد به فرهنگ سیاسی دموکراتیک می باشد. در حالی که افزایش مدت زمان عضویت در شبکه های اجتماعی و فعالیت عمیق تر در شبکه های اجتماعی، باعث بالا رفتن احتمال میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک می گردد، اما افزایش مصرف روزانه چنین شبکه هایی، تاثیر منفی بر روی فرهنگ سیاسی دموکراتیک داشته است. سرانجام نتایج پژوهش حاکی از آن است که واقعی تلقی کردن محتوای شبکه های اجتماعی تاثیری در افزایش یا کاهش تمایل به فرهنگ دموکراتیک در میان پاسخگویان نداشته است. (حایک، ۱۴۰۰)

کدگذاری مقالات و دسته بندی مقوله ها:

پس از تحلیل های به عمل آمده و با توجه به بررسی و تحلیل عمیقتر مقالات مربوطه و نظر پژوهشگران حوزه جامعه شناسی و رسانه های اجتماعی و نقد نظرات آنان معطوف به «شبکه های اجتماعی و سرنوشت دموکراسی»، نقاط تاریک دیدگاه غالب موجود، در جریان این اثر پژوهشی، می توان مقالات را به پنج دسته تقسیم نمود: ۱. دیدگاه های انتقادی ۲. دیدگاه های توسعه بخش ۳. دیدگاه های متوازن، که شبکه های اجتماعی دارای نقاط قوت و ضعف و همچنین می توانند باعث و مانع دموکراسی بشوند، ۴. شبکه های اجتماعی، باعث بالا رفتن احتمال میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک اما افزایش مصرف روزانه چنین شبکه هایی، تاثیر منفی بر روی فرهنگ سیاسی دموکراتیک دارند و ۵. اگر شبکه های اجتماعی با حضور و مشارکت نخبگان علوم اجتماعی همراه باشد میتواند بر روی دموکراسی نیز تاثیر مطلوب بگذارد.

جمع بندی:

با بررسی و تحلیل لایه های عمیق مقالات مربوطه و با توجه نظر پژوهشگران حوزه مطالعات شبکه های اجتماعی و سرنوشت دموکراسی، و همچنین با توجه به دسته بندی موضوعات و مقولات، در نهایت با توجه به استدلال استقرایی-ربایشی جمع بندی نهایی به این صورت ارائه می گردد: در باره اثر گذاری «شبکه های اجتماعی بر دموکراسی» دو دیدگاه کلی وجود دارد: دیدگاه نخست، «شبکه های اجتماعی و یا مصادیقی از آن» را برای دموکراسی تهدیدآمیز می داند و دیدگاه دوم، «آن را زمینه و بستر مناسب تری برای دموکراسی تلقی می کند». در واقع «ایده بکر «دولت ها» این است که تصمیم گیری مستقیم را از عموم مردم گرفته و آن را در اختیار نمایندگان قرار دهند. یعنی یک طبقه حاکم که مسئولیت تصمیم گیری از طرف رای دهندگان را بر عهده می گیرد. فارغ از این که ما چنین فرایندی از متن و

مدل اجرای دموکراسی را امری خوب بدانیم یا بد، این قبیل حرکت‌ها و پویاها، منجر به ایجاد گروه‌های نخبگانی و تلاش روز افزون این گروه‌ها برای جذب مخاطب از میان عموم مردم می‌شود.¹ از همین جهت فیرمین دبرابندر¹، در متن آخرین اثر مکتوب خود موسوم به «زندگی پس از حریم شخصی»²، اظهار می‌دارد: «ما بر آن شده‌ایم تا با استفاده از مقامات رسمی که انتخاب می‌کنیم، اقدام به کنش سیاسی نیابتی نماییم. همانطور که در اسناد و دیدگاه‌های متفکران فدرالیست نیز آمده است، این مدل از کنش سیاسی، دقیقاً به منظور محدود کردن تأثیرگذاری، ضریب نفوذ و فعالیت سیاسی شهروندان عادی طراحی شده است.» حال، اگر مراقب نباشیم، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به نماینده و تصمیم‌گیرنده‌ای جدید در این بستر، تبدیل شوند. تصمیم‌گیری در مورد امور مختلف در آینده‌ای نزدیک، بدون توجه و اهمیت به ارگانیک یا غیرارگانیک بودن، به بلندترین صدا در رسانه‌های اجتماعی سپرده خواهد شد. نکته قابل توجه این است که شبکه‌های اجتماعی توانایی تبدیل شدن به ابزار قدرتمند دموکراتیزه‌سازی هر جامعه‌ای را دارند. پلتفرم‌های یاد شده به مردم اجازه می‌دهد که با قدرت بیشتر متحد و همصدا شوند و همین امر، مصادره جریان‌های موجود در بستر رسانه‌های اجتماعی و دستکاری اطلاعات از سوی گروه‌هایی خاص را میسر می‌سازد. بنابراین، شمشیر دو لب رسانه‌های اجتماعی از یک سو می‌توانند جهان را برای همیشه تغییر داده و به مکانی بهتر بدل سازند، یا از سوی دیگر، با در نظر گرفتن منافع محدود گروه‌هایی خاص، اقدام به دستکاری و کنترل افکار عمومی نمایند. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که اگر توانایی غیر قابل وصف بشر برای فروپاشی و نابودی چیزهای خوب مورد استفاده برای تحقق اهداف خوب وجود نداشت، رسانه‌های اجتماعی به نیرویی قدرتمند برای اشاعه ارزش‌های مردم‌سالارانه بدل می‌شدند. اما در حال حاضر، قدرت و گستره فعالیت این پلتفرم‌ها به حدی است که خود تهدیدی اساسی برای دولت‌های بزرگ جهان تبدیل شده‌اند.

¹ Firmin DeBrabander

² Life After Privacy

منابع و ماخذ:

1. خلعتبری، جواد (۱۳۸۷)، آمار و روش تحقیق، تهران: نشر پردازش.
2. لاوسون، شان، (۱۳۹۸)، شبکه های اجتماعی؛ دشمن دموکراسی، نشریه مدیریت ارتباطات « بهمن شماره ۱۱۷.
3. مهدی زاده، شراره، شیفته، منصوره، (۱۳۹۸)، تاثیر شبکه های اجتماعی بر تحقق دموکراسی دیجیتال مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه مازندران، مطالعات فرهنگی و ارتباطات «، تابستان، دوره ۱۵، شماره ۵۵.
4. شریعت، فرشاد، (۱۳۹۲)، آزادی معقول و دموکراسی اجتماعی، معرفت سیاسی، (پیاپی ۹)، بهار و تابستان شماره ۱.
5. قاسمی، علی اصغر، (۱۳۹۰)، جهانی شدن، جنبش های اجتماعی و دموکراسی در ایران، پژوهش سیاست نظری، پاییز و زمستان شماره ۱۰.
6. اسکندری، رضا، (۱۳۹۶)، دموکراسی و آزادی بیان در شبکه های اجتماعی، نشریه وب، آبان، شماره ۱۹۳.
7. شکرچی، احمد، (۱۳۹۶)، دموکراسی در کوچه پس کوچه های شبکه های اجتماعی، نشریه مدیریت ارتباطات، خرداد، شماره ۸۵.
8. کنت، مایکل ال، (۱۴۰۰)، استفاده گفتگومحور از شبکه های اجتماعی: نقش روابط عمومی در احیای دموکراسی، نشریه تحقیقات روابط عمومی، بهمن الی فروردین، دوره ۲۲، شماره ۱۱۷-۱۱۹.
9. جودی، بهنام، یگانه، محمد، (۱۴۰۰)، دموکراسی و جنبش های اجتماعی: نقد کتاب می توان دموکراسی را نجات داد؟ مشارکت، شورا و جنبش های اجتماعی، نشریه پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، شهریور، دوره ۲۱، شماره ۹۴.
10. (۱۳۹۷) رسانه های اجتماعی و دموکراسی؛ به مناسبت تولد توئیتر، نشریه توسعه تاسیسات و تجهیزات « (پیاپی ۱۰۶)، زمستان و بهار شماره ۵۳.
11. بابازاده جودی، امیرسعید، اسلامی، سعید، (۱۳۹۴)، واکاوای نقش رسانه های نوین بر دموکراسی، مقاله کنفرانس: کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
12. توکلی، فائزه، (۱۳۹۰)، نقش رسانه ها در دموکراسی فرهنگی جهان معاصر، رسانه و فرهنگ، بهار و تابستان، شماره ۱.
13. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۹۶)، رسانه های اجتماعی و دموکراسی، نشریه پیوست، آذر، شماره ۵۲.
14. عباس زاده، محسن، (۱۳۹۵)، رسانه و کنش گری دموکراتیک (امکان ها و محدودیت های دموکراسی رسانه محور، مطالعات میان رشته ای در رسانه و فرهنگ سال ششم بهار و تابستان، شماره ۱ (پیاپی ۱۱).
15. سانستاین، کس آر، (۱۳۹۰)، جمهوری: شکاف دموکراسی در عصر شبکه های اجتماعی، مترجمان: غلامحسین بیابانی، بهنام ذوقی، محمد سلطانی فر، انتشارات رهروان پویش.
16. مریم، حایک، (۱۴۰۰)، رابطه فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی و استفاده از شبکه های اجتماعی (مطالعه موردی: معلمان شهر اصفهان، رسانه، زمستان، شماره ۱۲۵).
17. غفاری، امید؛ محمود کتابی و نفیسه واعظ. (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی توسعه سیاسی در عصر مشروطیت و نخستین دهه انقلاب اسلامی (۵۶-۵۷) با تاکید بر توزیع قدرت». فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی. سال ۸، شماره ۱: ۹۱-۱۱۹.
18. عالم، عبدالرحمن؛ احمد میرزازاده و فرامرز بیگلر. (۱۳۹۰) «نسبت اسلام و دموکراسی در اسلام معاصر». فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴: ۱۳۵-۱۵۴.
19. دوبنوا، آلن. (۱۳۷۶) «نظام تربیت شهروند: دموکراسی و کالتی - دموکراسی شراکتی»، ترجمه بزرگ نادرزاد، ماهنامه کلک مراد، شماره ۸۹ و ۹۳: ۴۳۵۰.
20. رهبرقاضی، محمدرضا؛ حسین مسعودنیا؛ زهرا صادقی نقدعلی و امیرحسین پوره. (۱۳۹۵) «نقش شبکه های مجازی در تمایل به مشارکت انتخاباتی و جهتگیری های سیاسی»، فصلنامه پژوهشهای ارتباطی، سال ۲۳، شماره ۲: ۱۲۵-۱۴۵.
21. محسنی، منوچهر، (۱۳۹۳)، جامعه شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران: نشر دیدار.
22. تقوایی یزدی، مریم، چیت ساز، چهره، رابطه شبکه های اجتماعی با سلامت اجتماعی دانشجویان، نشریه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی - زمستان ۱۳۹۵، سال هفتم - شماره ۲.

23. <https://securityboulevard.com/2020/10/social-media-vs-democracy-avast/> Wolf, F. (0182) Meta-analysis: Quantitative methods for research synthesis, Beverly Hills CA: Sage.
24. HUM, N. J., & Chamberlin, P. E. (2011). A picture is worth a thousand words: A content analysis of Facebook profile photographs. *Computers in Human Behavior*, 27(5), 1828-1833.
25. Jones, V. N., & Michael W. (2009). Mixed methods assessment, in Gert Tinggaard Svendsen and Gunnar Lind Haase Svendsen (eds.). *Handbook of Social Capital: The Troika of Sociology Political Science and Economics*, Massachusetts, Edward Elgar Publishing, Inc., 379- 401.
26. Larson, D. B., Swyers, J. P., & McCullough, M. E. (Eds.). (1998). *Scientific research on spirituality and health: A report based on the scientific progress in spirituality conferences*. Rockville, MD: National Institute for Healthcare Research.
27. Salehi Hikouee, M. (2005). Examine the relationship between social capital and networks of interpersonal trust and gender. Master Thesis, Al-Zahra University in Tehran. (in Persian).
28. Marandi, A. R. (2006). Social determinants of health in a comprehensive book *Public Health (Second Edition)*. Ministry of Health and Medical Education, Department of Research and Technology. (in Persian).
29. Bherer, Laurence. Dufour, Pascale & Montambeault, Francoise. (2016) "The participatory democracy turn:an introduction". *Civil Society*, Volume 12, Issue 3, Pages 225-230.